

سفرهای حدیث پژوهی شیعیان به عراقین (کوفه و بصره)

محمد علی مهدوی راد^۱، آتنا بهادری^{۲*}

^۱استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم)، ^۲دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۳/۲۳ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۱۲/۱۹

چکیده

نگاهی به مدارس حدیثی نشان می‌دهد که تاثیرگذاران این مدارس، همگی اهل آن شهر نبودند و معمولاً، بزرگان و محدثان، در چند مدرسه حضور داشتند و به تعلیم و تعلم پرداختند. آنچه مسلم است اینکه علمای اسلام از عصر صحابه به رحله‌های حدیثی اهتمامی ویژه داشتند و در این مسیر سختی‌های بسیاری را بر خود هموار نمودند. ما در اکثر بلاد اسلام شاهد تأثیر جدی مسافران هستیم. پس از حرمین (مکه و مدینه) که بدلیل مرکزیت دینی و اجتماع مسلمین، مورد توجه مسافران حدیث بوده است، عراقین نقش ویژه‌ای در این مقوله داشته و محدثان دیگر بلاد را به خود جلب کرده و در غنای یکدیگر تأثیر فراوانی داشته است.

کلیدواژه‌ها سفر (رحله)، مسافر (راحل)، کوفه، بصره، عراقین، حدیث.

طرح مسأله

از آن زمان که پرتو تابناک آخرین دین آسمانی بر بشر تابید، پیروان آن اهتمام بسیاری به دو رکن اساسی کتاب و سنت نشان دادند. قرآن کریم که آیت نبوت و مورد ضمانت الهی بود، ثبت و ضبطی دقیق گردید؛ اما نقل اقوال، افعال و تقریرهای پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود، با حوادث مختلفی روبرو گردید. لذا محدثان برای پرهیز از ورود کذب و خلل به این منبع والای معارف

۱۴۲ اسلام، قوانین خاصی در نقل روایت وضع کردند. از اهمّ این قوانین، بحث در «اسناد حدیث و فحص و جستجوی احوال روات» است که از مهمترین تلاشها و روشهای ارزنده محدثان در این راه، «مهاجرت و کوچهای طولانی و تحمل مشقات سفر» بخصوص در روزگار صدر اسلام است.

اگرچه این سفرها در نوع مدارس حدیثی صورت می‌گرفت، اما برخی مدارس، تعاملات قابل توجهی با یکدیگر داشتند. از جمله آنها، عراقین (کوفه و بصره) بودند که علی‌رغم روحیه مذهبی متقابل ایشان (بصریون، عثمانی و کوفیون، شیعی بودند)، آمار سفرهای محدثان به این دو شهر و محدثان این دو شهر با یکدیگر، تقریباً یکسان است. در نوشتار حاضر، این دو شهر را از جهت مقصد سفرهای حدیث‌پژوهی در عصر صحابه، تابعین و اتباع تابعین تا قرن چهارم هجری مورد بررسی قرار داده و برآنیم که دریابیم:

- محدثان از سفر به این شهرها چه اهدافی را جستجو می‌کردند؟
- چه آثار و کتب حدیثی در این مهاجرتها جابجا گردید؟
- و در نهایت، سفر محدثان به این مدارس و به ویژه رفت و آمد متقابل محدثان کوفه و بصره چه نتایجی در برداشت؟

مفاهیم

الرَّحْلَةُ : الرَّحْلُ و الرَّاحِلَةُ، هم به معنای جهاز و مرکب شتر و هم به معنای مسکن و اثاثیه منزل آمده است. عبارت ارتحل البعیر رحلةً، معنای عزیمت و حرکت شتر را در بردارد که در عرف رایج، واژه الرحلة به ضمّ راء به معنای مقصد و سرمنزل و به کسر آن به معنای سفر، کوچ و مهاجرت است. کلمات التَّرحُّلُ، الإرتحال و التَّرحیل نیز همگی معنای دوم این واژه را در بردارند.

افعال این اسامی به صورتهای رَحَلَ یَرَحُلُ و إِرْتَحَلَ همگی به مفهوم سفر کردن، عزیمت کردن و کوچ کردن است (سار فَمَضَى، رَحَلَ عَنِ الْمَكَانِ یَرَحُلُ و هُوَ رَاحِلٌ). در نهایت با توجه به آنچه که کتب لغوی در آن اتفاق دارند، بدست می‌آید که واژه مورد نظر، در اصل از جهاز شتر، که سنبل حرکت و مهاجرت است، گرفته شده و در نهایت، به هرگونه انتقال و کوچ کردنی اطلاق گردیده است (نک: فراهیدی، ۲۰۷/۳-۲۰۸؛ ابن اثیر، ۲۰۹/۲؛ جوهری، ۱۷۰۷/۴؛ ابن منظور، ۲۷۴/۱۱-۲۷۶).

عراقین: دو شهر کوفه و بصره، هر کدام مدتی پایتخت دولت امویان بود؛ لذا به «عراقین» موسوم گشت ولی پس از اینکه این مقام از آنها گرفته شد، کلمه «عراقین» به عراق عرب و عراق عجم (ایالت جبال) اطلاق گردید (لسترنج، ۲۸). در این مقال منظور ما معنای اول است.

بلاد عراق، در جنوب غربی آسیا، در محدوده جنوبی بین‌النهرین (دجله و فرات) قرار دارد و در نیمه نخست قرن اول هجری، بدست مسلمانان فتح شد. مسلمانان، شهرهای کوفه و بصره را با اهدافی نظامی، تقریباً مقارن یکدیگر، در زمان خلافت خلیفه دوم، بنیان گذاردند (کوفه در ۱۷هـ به فرماندهی عبدالملک بن بقیله (بلادری، ۳۹۳) و بصره در ۱۴هـ به فرماندهی عتب بن غزوان (همان، ۴۸۶)).

فراگیری و فرادهی حدیث: فراگیری، دستیابی به روایت، از یکی از طرق هشت گانه تحمّل حدیث (سماع - قرائت - اجازه - مناو له - کتابت - اعلام - وصیه - و جاده) را گویند و برترین آن نزد جمهور محدثان، «سماع»^۱ است. فرادهی نیز به نقل و انتشار و تعلیم روایات به جویندگان آن گویند.

جایگاه علمی عراقین

شهر مقدّس مکه، به سبب مرکزیت دینی، اجتماع علماء در موسم حج و تشکیل حلقه‌های علمی، مورد توجه محدثان و جویندگان علم بود. مدینه منوره (دارالسنه) نیز در عصر حضور رسول اکرم (ص)، مرکز اجتماع اصحاب برگرد چراغ فروزان نبوت بود. پس از وفات پیامبر (ص)، تعداد زیادی از صحابه از مدینه خارج شدند و در سرزمین‌های فتح شده استقرار یافتند که در این امر، سرزمین عراق، به ویژه شهرهای کوفه و بصره، گوی سبقت را از دیگر بلاد ربودند (ضیاء العمری، مقدمه الطبقات خلیفه بن خیاط، ۵۲). در قرن اول هجری، نقش سیاسی کوفه، اثر مهمی در انگیزش فعالیت‌های روایی گذاشت؛ زیرا اختلاف سیاسی میان دمشق و کوفه، نیاز به روایت را برای پشتیبانی از عقاید دو گروه مقابل، افزون می‌کرد.

۱. سماع حدیث، عبارت است از: شنیدن از لفظ شیخ چه از حفظ برخواند و چه از روی نوشته املاء نماید (غفاری، ۱۶۹).

نقش بصره نیز در روایات کمتر از کوفه نبود؛ زیرا تعداد صحابه مقیم آن، کمتر از صحابه کوفه نیست (ابن سعد، در الطبقات الکبری، برای هر کدام ۱۴۹ صحابی برشمرده است). هر چند که تعداد تابعین مشهور به روایت، در بصره کمتر از کوفه است (نسبت دویست و اندی به پانصد و اندی) (همان).

دیگر شهرهای عراق نظیر واسط و بغداد، صحابه و تابعی مقیم ندارد و اتباع تابعین نیز از مهاجران کوفه و بصره، به این دو شهر هستند (ابن حبان، ۱۷۶).

از این رو خلیفه بن خیاط و ابن سعد و حتی ابن حبان (حدود یک قرن بعد از آن دو)، همگی به اتفاق، مدینه، کوفه و بصره را بر بقیه شهرهای عالم اسلام مقدم داشتند. محدث نیمه اول قرن سوم، خلیفه بن خیاط عصفری، پس از ذکر صحابه مقیم مدینه، بلافاصله به سخن از اهل کوفه می‌پردازد و پس از اتمام کوفیان سراغ اهل بصره رفته و آنگاه به مدینه رجوع می‌کند و تابعین آن را برمی‌شمرد.

مسأله دیگری که سبب توجه به این دو شهر می‌گردد آنکه، اگرچه این دو شهر، شباهتهای بسیاری دارند و اصطخری (جغرافیدان قرن سوم)، آنها را از نظر وسعت و شکل بنا، نظیر یکدیگر می‌داند و فقط می‌گوید: کوفه، دارای هوایی بهتر و بصره موقعیت اقتصادی بالاتری دارد (لسترنج، ۸۱)؛ اما روحیه مذهبی مردم بصره، عثمانی و کوفه، شیعی است و با این وجود تعاملات علمی و حدیثی بسیاری دارند. اما بالاخره، در اواخر قرن دوم، بصریون به شیعیان می‌گرایند^۱ و در این امر، از اهمیت نقش محدثان مسافر مابین این شهرها، نمی‌توان غفلت کرد. لذا بر آن شدیم به بررسی سفرهای حدیثی، با محوریت این دو شهر بپردازیم؛ برای این منظور، چهار قرن ابتدای اسلام را در نظر می‌گیریم؛ دوره‌ای که هم نمایانگر جو عثمانی بصره باشد و هم فضای شیعی آن و نیز تأثیر تعامل کوفه با آن را ترسیم کند.

مدرسه کوفه

۱. در قرن دوم هجری، اکثر مردم بصره را شیعیان تشکیل می‌دادند و در سال ۱۴۴ هـ. هنگام قیام ابراهیم بن عبدالله المحض، فرزند حسن المثنی بن حسن بن علی (ع) که در باخمی به شهادت رسید، مردم بصره با وی بیعت کردند. بیش از صد هزار جنگجو از بصره و اطراف آن به وی ملحق شدند. شهادت بصره در قیام ابراهیم محض، بیش از بیست هزار نفر بودند (شهیدی، ۲۶۴/۳). البته برخی دیگر نظیر سلطانی معتقدند که پیشینه تشیع در بصره به زمان تولد این شهر برمی‌گردد و گوید: بصره قدیم، فی الجمله گرایش به عثمانی مذهبان داشته، نه بالجمله و وقوع قیامهای شیعی در بصره، خود نشانی از وجود تشیع در سده‌های نخست در این شهر است. از آن جمله، همراهی شیعیان بصره با قیام زید بن علی بن الحسین در کوفه، قیام ابن طباطبا که مدتی نیز در بصره، حکومت شیعی برقرار کرد و قیام صاحب زنج در سال ۲۵۵ ق. است (سلطانی، ۳۹-۴۱).

این مدرسه پس از مکه، مهمترین مدارس از نظر گستردگی در تعلیم و تعلّم معانی قرآن، فقه و حدیث است. عبدالله بن مسعود (م ۳۲)، صحابی گرانقدر رسول خدا (ص)، به عنوان زعیم این مدرسه شناخته می‌شود که با کثرت علم و طول مصاحبتش، بسیاری از حافظان شریعت رسول خدا (ص)، از او علم آموختند. مدرسه مکه چندان دوام نیاورد و یکسال پس از وفات بنیانگذارش، ابن عباس، به سال ۶۸ هـ رو به افول نهاد و پرورش یافتگان آن در اطراف و اکناف عالم اسلام، از جمله خراسان، مصر و شام پراکنده شدند. در حالیکه در این زمان کوفه رو به شکوفایی می‌نهاد (معرفت، ۳۹۷/۱). در قرن اول هجری، با انتقال قدرت و مرکزیت خلافت امیرمؤمنان علی (ع)، از مدینه به کوفه - پس از جنگ جمل - شهر کوفه به تدریج چهره‌ای شیعی گرفت و پس از جریان جمل بود که ۴۰۰ صحابی از مهاجر و انصار که ۷۰ نفر از بدریون در میان آنها بودند، وارد کوفه شدند و در صقین، ۲۸۰۰ صحابی مقیم کوفه، همراه علی (ع) بودند (یعقوبی، ۱۸۸/۲). لذا اگرچه شروع تعالیم دینی در کوفه با ابن مسعود بود، اما در حقیقت، ورود امیرالمؤمنین علی (ع)، بدان عمق و رشد روز افزون داد. حضرت (ع) جامع این شهر را به عنوان «مصلی» و «مرکز خطبه و فتوا»ی خود انتخاب نمود و پایگاهی در آموزش فقه و حدیث گردید (معارف، ۳۵۷).

بیشتر مردم کوفه اعم از مفسران، فقیهان، محدثان و پیروان ابن مسعود، از این امتیاز برخوردار بودند که نشان مهر و محبت آل الله (ع) بر پیشانی‌شان نقش بسته بود؛ از آن جمله اند: سعید بن جبیر (م ۹۷)، علقمه بن قیس (م ۶۱ الی ۷۲)، ابراهیم نخعی (م ۹۶)، ابو عبدالرحمان سلمی (م ۷۲)، اسود بن یزید نخعی (م ۷۵)، اصبع بن نباته، زرّین حبیش (م ۸۳) و...

البته همواره اصحاب ابن مسعود، آماج تیر تهمتها و نسبتهای ناروا قرار می‌گرفتند و در زمره ایشان مسروق بن اجدع (م ۶۲/۶۳)، مرّه همدانی (م ۷۶) و عامر بن شراحیل شعبی (م ۱۰۹) قرار دارند؛ ولی علمای شیعه، نظیر آیت الله معرفت (ره)، با هوشیاری تمام و دلایل متقن، چنین نسبتهایی را از ایشان دور دانسته‌اند (نک: معرفت، ۳۵۸/۱-۳۶۹).

در سده دوم، حضور شمار بسیاری از علمای اسلام در جامع این شهر، شگفت آور است. مردم کوفه در این دوران ترکیبی از شیعه و سنی، پیروان مذاهب دیگر و حتی ملحدان بودند؛ ولی آنچه به حیات علمی کوفه در قرن دوم نیرو بخشید، وجود شاگردان بنام صادقین (علیهما السلام) بود.

امامان سجاد (ع)، باقر (ع) و صادق (ع) بارها به کوفه آمدند و در این رفت و آمدها، محدثان شیعه و سنی از آن ذوات مقدس بهره‌های فراوان گرفتند. اقامت پنج ساله امام صادق (ع)، در ایام خلافت سقّاح، در شهر «هاشمیه» (کلینی، ۴۵۵/۶)^۱ و نقل روایت از نزدیک برای شیعیان، بیش از پیش به غنای علمی شیعه در کوفه کمک کرد؛ بطوریکه حضور و افاده علمی آن حضرت، از سایر ائمه (ع) در مسجد کوفه بیشتر بود (معارف، ۳۵۷).

اینکه شهر کوفه، علیرغم متأثر بودن از اختلافات و چند دستگی‌ها، به مرکزیت شیعه اشتها یافت، بدین دلایل بود:

- اگر می‌خواستند به فردی عنوان «شیعی» دهند، او را «کوفی» یا «کوفی مذهب» لقب می‌دادند (همو، ۳۵۶).

- نخستین گروه از شاگردان امام باقر(ع)، مردانی از شهر کوفه بودند (همان).

- راویان صادقین(ع)، در درجه اول کوفی بودند (طوسی، رجال، ۱۲۱-۳۲۸).

- حسن بن علی بن زیاد و شاء (از اصحاب امام رضا ع)، نهصد تن از مشایخ حدیث را در مسجد کوفه درک کرد که همه در مقام تدریس می‌گفتند: حدّثنی جعفر بن محمد (ع) (نجاشی، ۴۰)^۲.

- از میان هجده نفر اصحاب اجماع، غیر از معروف بن خزّبوذ که مکی (طوسی، الرجال، ۱۲۰) و محمد بن ابی عمیر که از مردم بغداد بود (نجاشی، ۳۲۶)، شانزده نفر باقیمانده، اهل کوفه یا ساکن آن جا بودند و همین امر، اهمیت کوفه و ارادت آنان به ائمه اطهار (ع) و حفظ میراث ایشان را مدلل می‌سازد.

- بسیاری از خاندان‌های علمی شیعه که همگی شاگردان ائمه (ع) بودند، از کوفه هستند؛ نظیر: آل ابی شعبه، آل أعین، آل ابی جعد، آل ابی اراکه، آل ابی صفیه و... (رجبی، ۴۷۸-۴۸۹).

مقاصد سفر در کوفه

۱. مؤلف «کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی» این اقامت را پنج سال بیان می‌دارد (رجبی، ۴۵۲) و یکی از شواهد طولانی بودن این اقامت را تلمذ دو ساله ابوحنیفه خدمت حضرت امام صادق (ع) و جمله مشهور او، (لو لا السنن لهلك النعمان)، می‌داند (همان، ۴۶۶).

۲. رقم ۸۰ رجال نجاشی.

جویندگان علم، بویژه محدثان بصری، در پی دستیابی به حدیث و سنت رسول اکرم (ص)، روانه کوفه می‌شدند و مقصد این سفرها در قرون اول و دوم، غیر از حضرت علی بن ابیطالب (ع)، به عنوان امام و ولی مسلمین، عموماً ابن مسعود و شاگردان او بودند: - عبیدالله بن عدی بن خیار، برای شنیدن حدیث صحیفه، از حضرت علی بن ابیطالب (ع)، روانه عراق شد و در پی آن، ایشان از او عهدی در این باب گرفت (خطیب، *الرحله*، ۱۳۰).

- محمد بن سیرین (م ۱۱۰) تنها یک سفر داشت و آن هم نزد عبیده، علقمه و عبدالرحمان بن ابی لیلی که هر سه از شاگردان ابن مسعود و شیفتگان علی (ع) بودند (رامهریزی، ۲۳۱).

- عبدالله بن عون مزنی (م ۱۵۱) از ابووائل (صحابی علی ع)، ابراهیم نخعی، شعبی و مسلم بطنین (صحابی امام حسن ع) و سجاده، حدیث شنیده است (همو، ۲۳۲). - از دیگر کانون‌های توجه مسافران، دو صحابی امام صادق (ع)، سلیمان بن مهران اعمش (م ۱۴۷) و سفیان بن عیینه (م ۱۹۸) بودند:

* سلیمان بن طرخان (م ۱۴۳) (ذهبی، ۹۲۳/۳۹۷/۶)، جریر بن حازم (م ۱۷۰) (همان، ۱۰۴۴/۷۸/۷)، عبدالواحد بن زیاد (م ۱۷۷) (همان، ۱۳۱۶/۷۱۴/۷) هریک جداگانه، از بصره به نزد اعمش سفر کردند. و عبدالله بن فروخ قیروانی (م ۱۷۶) پس از شنیدن احادیث بسیاری از او و دیگر کوفیان به موطنش بازگشت و با جلوس بر کرسی تدریس، ثمره این سفر را در تعلیم شاگردان آشکار کرد (شواط، ۲۲۶/۱).

* ابن عیینه نیز مورد توجه عبیدالله بن عمر (م ۱۴۴/۱۴۵/۱۴۷) (ذهبی، ۹۶۰/۴۷۳/۶)، موسی بن معاویه (م ۲۲۶) (همان، ۱۹۹۹/۹۹/۱۰) و علی بن جعد (م ۲۳۰) (همان، ۱۶۹۰/۱۶۵/۹) به ترتیب از شهرهای مدینه، افریقیه و بغداد قرار گرفت.

نکته شایان دقت اینجاست که گروهی از محدثان که در قالب مسافر به این شهر آمدند، خود مورد نظر دیگر مهاجران قرار گرفتند و تعامل شایان توجهی بین علمای مدارس حدیثی در این سفرها رخ داد. نظیر شعبه بن حجاج بصری (م ۱۶۰) و فضیل بن عیاض سمرقندی (م ۱۸۷) که با اقامتشان در کوفه، به ترتیب مقصد سفر محمد بن اسحاق مدنی (م ۱۵۱) (همان، ۱۰۱۶/۳۱/۷) و موسی بن معاویه مغربی (م ۲۲۵) (همان، ۱۹۹۹/۹۹/۱۰) و دیگران قرار گرفتند. ابراهیم بن عبدالحمید صنعانی نیز در مسجد کوفه می‌نشست و به ذکر روایاتی می‌پرداخت که از امام صادق (ع) شنیده بود

۱۴۸ (طوسی، اختیار معرفه الرجال، ۷۴۴/۲). البته غیر از مسجد کوفه، پایگاه‌های دیگری نیز در کوفه بود که در آن مشایخ حدیث، به تدریس و تربیت شاگردان خود می‌پرداختند. نظیر جعفر بن بشیر که خود در محله بجیله، مسجدی داشت و طبیعتاً به تربیت شاگرد همت می‌گمارد (نجاشی، ۱۱۹).

از دیگر مشایخ مورد توجه محدثان شیعه و سنی، عبدالله بن نمیر (م ۱۹۹) است. احمد بن فرات رازی (م ۲۵۸) (همان، ۲۱۴۱/۳۳۰/۱۰) و ابوالأزهر نیشابوری (م ۲۶۱/۲۶۳) (أمین، ۵۶۶/۲)، هر یک مدتی نزد او بودند و احادیثی سماعاً دریافت کردند. حفص بن غیاث قاضی (م ۱۹۴) از مشایخ عامی مذهب کوفه است که از امامان باقر، صادق و کاظم (علیهم السلام) روایت کرده و حتی شیخ طوسی، کتاب مورد اعتمادی از فرزند او نقل می‌کند که شامل ۱۷۰ حدیث پدرش، از امام صادق (ع) است (طوسی، الفهرست، ۱۱۶).

در قرن چهارم، با افزایش علمای این شهر، کمتر می‌توان مقاصد مشترکی برای هجرت‌های علمی یافت؛ لذا از باب نمونه، مشایخ عالم گرانمایه، شیخ صدوق (ره) (م ۳۸۱) را برمی‌شمیریم؛ نظیر محمد بن بکران نقاش، احمد بن ابراهیم بن هارون فامی و یحیی بن زید بن عباس بزّاز.

همچنین، ابوغالب زراری (م ۳۶۸)، از خاندان عظیم الشان أعین، با سفر به بغداد و دستیابی به کتب بسیاری، از جمله کتاب گرانمایه شیخ کلینی، «کافی»، (ابوغالب زراری، رساله فی آل أعین، ۷۷)، توانست مرکز توجه محدثان و مسافران به کوفه شود.

مدرسه بصره

این مدرسه را عبدالله بن قیس معروف به ابوموسی اشعری (م ۴۴) بنیان نهاد و چندین سال ولایت این شهر را از سوی خلفای وقت، برعهده داشت. وی به سبب دوستی دیرینه ای که با معاویه داشت، با او روابط پنهانی برقرار کرد و این نکته از وصیت معاویه به پسرش یزید، درباره فرزند ابوموسی، ابوبرده، روشن است (ابن سعد، ۸۳/۴). وی از امیرمؤمنان (ع) فاصله گرفته بود و در جنگ صفین، هنگامی که به عنوان حکم برگزیده شد، رسوایی او آشکار گردید.

هموست که نخست، به اهل بصره فقه و قرائت قرآن آموخت و در مکتب تفسیری او انحراف شدیدی وجود داشت. این مطلب، زمینه رشد بسیاری بدعتها و انحرافات فکری و

عقیدتی را (به ویژه در مسائل اصول دین، امامت و عدل) در بصره فراهم آورد. (معرفت، ۲۹۰/۱) برخی مطالب، نظیر «جبر در تکلیف»، در مذهب نواده اش، ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴)، دقیقاً برگرفته از اوست (شهرستانی، ۹۴/۱).

از سوی دیگر، انس بن مالک، صحابی دیگر رسول خدا (ص) که حدیث غدیر و دیگر فضایل امیرمؤمنان علی (ع) را کتمان کرد از مهاجران به بصره در عهد خلافت خلیفه دوم بود (طوسی، اختیار معرفه الرجال، ۲۴۷/۱).

از اینجا آشکار می‌شود که تفاوت عقیدتی بصره با کوفه از کجا نشأت گرفت. لکن در این میان، حضور دیگر بزرگان صحابه در بصره، هرچند برای مدتی کوتاه، نظیر عبدالله بن عباس (م ۶۸) (شاگرد علی ع)، ابویوب انصاری (م ۵۲)، جندب بن عبدالله بجلی (م ۷۰) و ابورافع مدنی (م ۹۰ و اندی)، تأثیر زیادی در فراهم آوردن زمینه‌های بیداری بصریون داشت و رفته رفته، بزرگانی همچون حسن بصری (م ۱۱۰)^۱ و قتاده بن دعامه سدوسی (م ۱۱۸)، با پرورش شاگردان دوستدار اهل بیت (ع)، نظیر معمر بن راشد (م ۱۵۴-۱۵۲) و شعبه بن حجاج و تعامل گسترده با کوفیان، جو عقیدتی و سیاسی این شهر را تغییر دادند. به طوریکه آن روحیه عثمانی سده دوم مردم بصره که در جریان ورود حفص بن غیاث (عالم سنی و راوی امام صادق ع)^۲ به این شهر کاملاً مشهود بود، در قرن سوم، در اثر زحمات این بزرگان و دیگر شیعیان مسافر، به وضعیتی تبدیل شد که وقتی خلیفه عباسی در سال ۲۱۰ هـ، به عامل خود در بصره دستور میدهد آمار علمای آن دیار و تألیفات مهم ایشان را اعلام کند، او هفتصد استاد و مجتهد مشغول تدریس برشمرد که اکثرشان شیعی اند و یازده هزار محصل دارند که اغلب دوستدار اهل بیت (ع) اند (شهیدی، ۲۶۴/۳).

مقاصد سفر به بصره

۱. آیت الله معرفت با بررسی اتهامات وی، او را از دشمنی اهل بیت (ع) مبرا دانسته است (نک: معرفت ۳۴۶/۱). چنانکه حسن بصری، در مواردی شخصاً به تقیه خود تصریح کرده بود (ابن ابی الحدید، ۹۵/۴).
 ۲. در بازگشت وی از سفر به کوفه، اهل بصره از او خواستند تا از چندین نفر، از جمله جعفر بن محمد (ع)، برایشان نقل حدیث نکند (جعفریان، ۲۵۵).

۱۵۰ در سده اول، گروهی از اصحاب، با سکونت در بصره، مقصد سفر جویندگان حدیث شدند؛ همچون: ثابت بن ضحاک (م ۴۵) (امین، ۱۲/۴)، جندب بن عبدالله بجلی (م ۷۰) (همان، ۲۴۶/۴)، ابوسعید أحمر بن جزی (همان، ۲۲۱/۳) و ثابت بن نافع (همان، ۱۲/۴). در سده دوم، حضور حسن بصری، محمد بن سیرین، قتاده، ایوب سختیانی (م ۱۳۱)، معمر بن راشد، شعبه بن حجاج، یحیی بن سعید قطان (م ۱۹۸) و عبدالرحمان بن مهدی (م ۱۹۸)، انگیزه هجرت‌های علمی به این شهر بود. در این گروه، تنها بر علم و علاقه آخرین نفر به خاندان وحی و رسالت، شاهی نیافتیم؛ لکن دیگر علما، حتی اگر از فقها عامه بودند، باز هم از روایان ائمه اطهار (ع) محسوب می‌شدند. در ابتدای سده سوم، حماد بن عیسی، راوی سه امام معصوم (ع)، کانون توجه شیعیان مسافر بصره بود. چنانکه حضور این صحابی گرانقدر امام کاظم (ع)، ابراهیم بن هاشم کوفی را که خود رحالی موفق، در نشر احادیث کوفه در قم بود، به سوی بصره جلب کرد (امین، ۲۳۳/۲).

مسافران حدیث پژوه به عراقین

اکنون با دانستن کانون‌های تجمع مسافران در عراقین، با نظری به این سفرها، به اهداف و نتایج آنها می‌پردازیم. بررسی‌های رجالی انجام شده^۱، آمار افرادی را که در چهار قرن اول، برای دستیابی به حدیث وارد این شهرها شدند، بدون احتساب صحابه، حدود صد نفر نشان می‌دهد (کوفه ۱۰۱ و بصره ۱۰۳ نفر) البته با در نظر داشتن این نکته که در مجموع چهار قرن، بیست و دو نفر به هر دو شهر سفر کردند. اکنون مهمترین موارد را با تفکیک مبادی سفر از دیگر شهرها و از این دو شهر به یکدیگر، ذکر می‌کنیم.

الف - مسافران به عراقین از دیگر بلاد

۱. محدوده بررسی‌های رجالی و استخراج مسافرین، طبق پایان‌نامه نگارنده، در منابع اهل سنت، کتاب المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی رامهرمزی (م ۳۶۰)، الرّحله فی طلب الحدیث خطیب بغدادی و سیر اعلام النبلاء ذهبی و در منابع شیعه، کتب اربعه رجال (اختیار معرفه الرجال کشی - الرجال نجاشی - الرجال و الفهرست طوسی) و اعیان الشیعه سید محسن امین بوده است.

در قرن اول که زمان تکاپوی صحابه رسول اکرم(ص) بود، ایشان، یا در پی مأموریتی از جانب حضرتش و تبلیغ دین و آموزش تعالیم انسان سازش و یا برای کسب احادیث، وارد عراقین شدند. چنانکه کعب بن عجره انصاری (م ۵۲)، صحابی پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) از مدینه برای نشر علوم خویش به این شهرها قدم نهاد (ذهبی ۲۳۹/۴). علقمه بن قیس نیز در پی هجرت به کوفه، آنقدر ملازم ابن مسعود بود تا در علم و عمل به مقام ریاست رسید و آوازه‌اش پیچید (همان، ۳۸۱/۹۴/۵). همچنین، عبدالله بن عباس که از جمله اصحاب دوستدار علی (ع) و شاگرد آن حضرت و فقیه و مفسر عصر خویش بود، مدتی را در بصره اقامت گزید و ابویوب انصاری در آنجا بود که نزدش شتافت (همان، ۲۷۳/۴۳۹/۴). ابورافع مدنی نیز که او را اولین مصنف حدیث نبوی (کتاب السنن و الاحکام و القضا) می‌دانند ملازم علی (ع) و امین بیت المال در کوفه و سپس یاور امام مجتبی (ع) بود. او دو فرزندش را چنان تربیت کرد که کاتب صدیقی برای علی (ع) شدند. لذا آشکارست که چنین شخصیتی، چه دغدغه‌ای در انتشار علوم آل الله (ع) در سفر و حضر داشته و دیار بصره را بی نصیب از این بهره نگذاشته است (خوئی، ۱۶۰/۱؛ ذهبی، ۵۳۰/۳۵۱/۵).

در اواخر قرن، شاگردان اصحاب، شروع به کوچهای حدیثی کردند. عکرمه (م ۱۰۵) که وی را داناترین اصحاب ابن عباس در تفسیر دانسته‌اند، سفرهای بسیارش شامل شهر بصره نیز شد (ذهبی، ۶۲۳/۵۰۴/۵).

در سده دوم، از مهمترین رحالین مجاهدین جبر مکی (م ۱۰۴)^۱ (همان، ۵۴۲/۳۳۷/۵) و ابوجعفر محمد بن مسلم طائفی (ابن داود، ۱۸۴) هستند که مورد توجه عامه نیز بودند. ابان بن ابی عیاش (م ۱۴۰)، صحابی سه امام همام (ع)، برای کسب علم، حدود سال ۷۷ هجری از موطن خویش، راهی شهرهای شیراز و بصره شد و کتابی^۲ را که سلیم بن قیس هلالی در اختیار او نهاده بود، به این شهرها برد و احادیثش را منتشر کرد (سلیم، ۷۷).

۱. از موثق ترین شاگردان ابن عباس و راوی فضایل علی (ع) بود و در طریق شیخ کلینی، صدوق و طوسی از او یاد شده است (خوئی، ۱۹۵/۱۵).

۲. خلاصه الاقوال، وضع «کتاب سلیم» را به ابان نسبت داده (حلی، ۱۶۲) لکن شیخ علی نمازی او را شیعی ممدوح دانسته که نسبت وضع به او اصلی ندارد (نمازی، ۸۳) و نیز از شیخ ابوعلی در المنتهی آورده که تضعیف ابان ریشه در تشیع او دارد و برخاسته از مخالفان است (همان، ۸۴) چه بسا وثاقت او را، همراهی اش با علی (ع) در رجوع از صفین (مجلسی، ۲۳۶/۱۵) و روایت از امام باقر(ع) (همان، ۲۹۵/۲۸) تایید می‌کند.

همچنین، باید از عبیدالله بن عمر بن حفص مدنی (م ۱۴۷/۱۴۵/۱۴۴)، یاد کرد که از صحابه امام صادق (ع) و از محدثان درد آشنای دین بود. وی در پی سفرش به کوفه، دیگر محدثان را به وظیفه خطیرشان یادآور می‌شد (ذهبی، ۶/۴۷۳/۹۶۰). همچنین عبدالله بن مبارک مروزی (م ۱۸۱)^۱ که از رجالین خستگی ناپذیر حدیث بود؛ طوری که احمد بن حنبل (م ۲۴۱) گوید: در زمان او کسی طالب‌تر از وی بر کسب علم نبود. این فرد به سفر کوفه بسنده نکرد و در پی علوم علمای بصره (ابن مهدی، فزاری و حماد بن زید) نیز برآمد (خطیب، *الرحله*، ۹۱ و تاریخ بغداد، ۱۰/۱۵۴). نیز هشیم بن بشیر واسطی (م ۱۸۳)، از رجال شیعی که اسانید سنی نیز از او بسیار بهره بردند (طبری، ۴۱۹) این مسافر فعال، در تمام صحاح سته روایت دارد و در بصره به سراغ حمید طویل، ایوب سختیانی و شعبه رفت و آنها نیز از او حدیث شنیدند (سیوطی، ۱۳۲).

همچنین زید بن حباب بن ریان خراسانی (م ۲۰۳) که از مشایخ جلیل القدر امامیه و یار صادقین (ع) است؛ وی مورد احترام اهل سنت نیز هست (در پنج کتاب از صحاح سته، از او نقل کرده‌اند) (طبری، ۱۲۵). او در پی سفرهای بسیارش، وارد کوفه شد و به نگارش حدیث پرداخت. گویند آنقدر غرق در جستجوی روایات بود که سر از اندلس در آورد (ذهبی، ۸/۲۵۲/۱۴۴۰). نیز ابان بن عثمان احمر (م ۲۰۰)، راوی صادقین (ع)، (امین، ۲/۱۰۰) و داود رقی (م بعد ۲۰۰)، صحابی امامان کاظم (ع) و رضا (ع)، نیز وارد بصره شدند. هدف داود، ملاقات ابی الحسن موسی (ع) به سال ۱۷۹ هـ بود. حسن بن شمون، سوی او رفت و سؤالی پرسید که با حدیثی از امام صادق (ع) پاسخ داد (نجاشی، ۳۳۶). در سده سوم فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰)، یار وفادار امامان هادی و عسکری (ع)، به قصد دیدار حسن بن علی بن فضال وارد کوفه شد و کتاب عبدالله بن بکیر و دیگر احادیث را از او سماع کرد (همان، ۳۴-۳۶). همچنین، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (زنده در ۲۷۴)، صحابی چهار معصوم (ع)، در کوفه بود که توانست دو کتاب علاء بن رزین بن قلاء و ابان بن عثمان احمر را از حسن بن علی بن وشاء کسب کند (همان، ۳۹). در سده چهارم، محدث گرانقدر، ابو محمد مؤمن قمی (م ۳۴۰)، با اقامتش در کوفه، کتابی در زیارت این شهر و مساجد و فضایل آن نوشت (همان، ۱۲۳). جعفر بن محمد بن

۱. صاحب مستدرکات علم رجال، او را شیخ کوفی شیعی دانسته است (نمازی، ۷۹) و مؤید آن، حدیث او در غیبه نعمانی و دیدارش با امام باقر (ع) (مجلسی، ۱۵۹/۳۳ و ۳۳۹/۴۶) و اشعارش در مدح امام صادق (ع) (همان، ۲۶/۴۷) است.

قولویه قمی (م ۳۶۸)، از دیگر علمای بنام، با نزول خویش نزد ابوالفضل صابونی و علی صیرفی کسائی، احادیثی سماع کرد (امین، ۱۵۴/۴)، و عالم کثیرالسفر، ابوالفرج عکبری (قرن ۴) دو شهر کوفه و بصره را درنوردید (همان، ۱۰۴/۳).

از دیگر مسافرین برجسته کوفه، محمدبن مسعود عیاشی (نیمه دوم قرن ۳)، صاحب یکی از معدود تفاسیری ست که از قرون اولیه اسلام برجا مانده؛ وی شیخ و فقیه سمرقند بود؛ در ابتدا عامی مذهب و بعد به امامیه گرایید و مقصد سفر محدثان و فقهاء بسیاری شد؛ اما خود را بی‌نیاز از کسب احادیث ناشنیده شهرهایی چون کوفه ندید (نجاشی، ۳۵۰) و درنهایت، سرسلسله علمای اثنا عشریه، دو تن از صاحبان کتب اربعه، شیخ کلینی (م ۳۲۸) و شیخ صدوق (م ۳۸۱) هستند که جزو مسافران تأثیرگذار، در این دیار بودند و جمع بسیاری، حتی از دیگر بلاد، برای کسب علوم اسلام، نزد آنان رحل اقامت افکندند. به عنوان نمونه، صاحب من لا یحضره الفقیه، هم به نشر گنجینه خزائن علوم خویش پرداخت و هم از بزرگان کوفه، نظیر محمدبن بکران نقاش، احمدبن ابراهیم بن هامون فامی، ابوالحسن علی بن حسین همدانی و دیگران، بهره‌های وافر برد (نک: نجاشی، ۳۸۹؛ امین، ۲۴/۱۰؛ صدوق، الأمالی، مقدمه، ۹).

ب - مسافران به عراقین از یکدیگر

در قرن اول و دوم هجری، تعاملات متعددی میان علمای کوفه و بصره صورت گرفت. در سده اول، جندب بن عبدالله بجلی (م ۷۰) (امین، ۲۴۶/۴ و ذهبی، ۲۵۲/۳۲۴/۴)، از کوفه به بصره نقل مکان کرد و احادیث فراوانی را منتشر ساخت. اوایل قرن دوم، حسن بصری که فهمید صحابی گرانقدر رسول خدا (ص) و امیرالمومنین (ع)، یعنی «کعب بن عجره»، در کوفه رحل اقامت افکنده است، به جانبش شتافت (خطیب، الرحله، ۱۴۳).

ابن سیرین، قتاده و سلیمان بن طرخان (م ۱۴۳)^۱، از دیگر محدثان بنام بصره‌اند که در این زمان وارد کوفه شدند (ذهبی، ۶۱۳/۴۸۷/۵ و ۷۴۶/۹۰/۶ و ۹۲۳/۳۹۷/۶) عطاء بن سائب

۱. طبسی او را از رجال شیعه در اسناد عامه ذکر کرده است (همو، ۱۵۸).

۱۵۴ (م ۱۳۶)^۱ نیز نیمه نخست این سده، وارد بصره شد تا سعی خویش را در انتشار معارف اهل بیت (ع)، بویژه امام سجاد (ع) مبذول کند (همان، ۸۶۱/۳۳۵/۶).

شعبه بن حجاج، صحابی امام صادق (ع)، که به گفته منجویه، اولین فردی بود که حال محدثان را بررسی کرد و ضعفا و متروکین را جدا کرد و در علمش عالمی شد که بدو اقتدا می‌کردند (امین، ۳۴۸/۷)، در جستجوی علو^۲ سند حدیث «دعای قبل وضو»، ابتدا وارد مکه، سپس مدینه شد و در نهایت توانست در بصره از زیاد بن محراق بشنود (خطیب، *الرحله*، ۱۵۳). از سوی دیگر، یحیی قطّان، در سفر خویش به کوفه، از عبدالرحمان بن زیاد (م ۱۶۱) کتابی را نوشت که این اثر ارزشمند، از محدث بلاد افریقیه در مسافرتش به کوفه، قابل توجه است (ابن عدی، ۱۵۹۱/۴).

همچنین، ابراهیم بن هاشم، از شاگردان یونس بن عبدالرحمان است که امام رضا (ع) را نیز درک کرد، اما روایتی از ایشان ندارد، وی، با اقامتش در بصره، ملازمت حماد بن عیسی را برگزید تا موفق شد بزرگترین دستاورد فقهی‌اش در نماز و زکات را برگیرد و بر مسموعاتش بیافزاید (امین، ۲۳۳/۲؛ بهبودی، ۲۸).

در نهایت، شایان ذکر است که اگرچه در این مقال، به سفرهایی با مقصد عراقین، پرداخته شد؛ اما محدثان این دیار، خود از مسافران و علمای رنج سفر برده بودند و در بسیاری از بلاد اسلامی، ردّ پای حضور و تکاپوی علمی ایشان مشاهده شده است. از باب نمونه می‌توان به حرکت ایشان در پی امامان هم عصرشان اشاره کرد. اواخر قرن دوم و اوایل سوم بدلیل احضار تنی چند از امامان شیعه به عراق (بغداد و سامراء)، مهاجرت راویان کوفه، زمینه گسترش فقه، حدیث و کلام شیعه را در بغداد مساعد کرد؛ بطوریکه از دوران امامان هفتم به بعد، بغداد محدثان و فقهاء بنامی بخود دید (معارف، ۳۷۱). مثلاً محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق بن رباط کوفی با سکونتش در بغداد و هدایت مردم آن سامان، ریاست کرخ و پیشوایی شیعیان را بر عهده گرفت (نجاشی، ۳۹۳). نمونه دیگر، مربوط به تلاش ایشان، بالاخص کوفیان، در راه شناخت امام برحقّ عصر خویش است. چنانکه عبید بن زراره، پس از شهادت امام صادق (ع) (أبوغالب زراری، *تاریخ*

۲. مؤلف معجم رجال الحدیث، او را از عامه دانسته که بعداً به مکتب اهل بیت (ع) پیوست (خوئی، ۱۴۵/۱۱) لکن به نظر آیه الله معرفت، او که کوفی و تربیت یافته مجاهد، عکرمه، سلمی و ابن جبیر بود، از ابتدای امر از خاصّه بوده است (معرفت، ۳۳۳/۱).

۱. کم کردن واسطه‌های سند حدیث، با حفظ اتصال آن (غفاری، ۴۳).

آل زراره، ۹۱ و ۷۷) و دایی پدر ابوغالب (محمدبن جعفر)، پس از شهادت امام عسکری (ع) (همان، ۲۲۵)، هریک به عنوان نماینده و معتمد مردم کوفه مأموریت یافتند به مدینه روند و صاحب امر امامت را شناسایی کنند. صفوان بن یحیی نیز پس از شهادت ابوالحسن رضا (ع) به همراه ریان بن صلت قمی، محمدبن حکیم خنعمی و یونس بن عبدالرحمان و تنی چند از علما، بر در خانه عبدالرحمان بن حجاج، در برکه زلول بغداد گرد آمدند تا در مسئله شناخت امام شیعیان چاره جویی و تحقیق کنند (مجلسی، ۹۹/۵۰).

اما ادای حقّ مطلب، نیاز به بررسی بیشتری دارد که مجالی فراتر از این مقال می‌طلبد.

نتیجه

توجه به مطالب ارائه شده، این حقیقت را تبیین می‌کند که این دو مدرسه حدیثی، با وجود رقابت تنگاتنگی که در همه زمینه‌های علمی، از جمله نقل روایات و علوم حدیث داشتند، آمار سفرهای علمی شان تقریباً برابر بوده است.

- نسبت صحابه مقیم کوفه به بصره یکسان است. در سده دوم، ۲۷ به ۱۹، در سده سوم هر دو ۳۵ نفر و در سده چهارم ۲۴ به ۲۶ نفر. و در مجموع چهار سده نسبت ۱۰۱ به ۱۰۳ است. البته این ارقام، بدون در نظر گرفتن سفر دوم، در مورد ۲۲ نفری است که به هر دو شهر هجرت کردند.

- اکثر سفرهای علمی به عراقین، از یکدیگر صورت گرفت و در رتبه بعدی، بیشترین مسافران از نیشابور و مدینه بودند. چرایی اولویت دوم نیشابور را باید در مسافت دور آن از مرکز علمی عالم اسلام، جستجو کرد که این امر، نه تنها در سفر محدثانش به عراقین، بلکه به اکثر مدارس حدیثی نمود یافته است.

- در ابتدای ظهور اسلام، هدف مسافرت مسلمین، دستیابی به دانش دین و «فراگیری احادیث پیامبر (ص)» و «اطمینان از صحت صدور روایات» ایشان بود. با گذشت زمان، افزون بر موارد فوق، «علوّ اسناد حدیث»، «آزمایش احوال روات»، «انتقال کتب روایی»، «تعدد طرق روایی» و «مذاکره علما در فهم و نقد حدیث»، به این اهداف افزوده شد. اما همچنان مورد اول در صدر اهداف قرار داشت.

- اکثر محدثان، از طریق سماع، تحمل حدیث کردند که بالاترین درجه و قوت اعتبار را نزد جمهور محدثان داراست.

- طبق آمار بدست آمده، وقتی این دو مدرسه، از نظر اوضاع سیاسی و فرهنگی در شرایط نسبتاً مساعدی قرار گرفتند، روندی یکسان در پیشرفت علمی و مسافرت‌ها داشتند و از نظر فراگیری و فرادهی حدیث، به ترتیب در کوفه پنجاه و هشت نفر به فراگیری، نه نفر به فرادهی و در بصره پنجاه و هفت نفر به فراگیری و سیزده نفر به فرادهی پرداختند و این به غیر از محدثانی است که این دو مقوله را در کنار هم بر عهده داشتند (نظیر احمد بن اذهر نسیابوری).

- در جریان فعالیت‌های مسافران، علاوه بر احادیث جا به جا شده (که بررسی آنها از عهده این بحث خارج است)، نسخه‌ها و نوشته‌های حدیثی مهمی از شیعیان منتقل شد از آنجمله:

در کوفه: صحیفه سفیان بن عیینه - کتاب عبدالله بن بکیر - کتاب علاء بن رزین بن قلاء - کتاب ابان بن عثمان الأحمر - کتاب ابو مؤمن قمی.

در بصره: کتاب حماد بن سلمه - کتاب سلیم بن قیس هلالی و کتابی فقهی در نماز و زکات که ابراهیم بن هاشم، در ملازمت حماد بن عیسی نوشت.

- نکته شایان توجه اینکه، در مسافرت‌های شیعیان به بصره، برخلاف معمول سفر به مدارس حدیثی، میزان انتشار احادیث (فرادهی)، سه برابر سماع و اخذ روایات (فراگیری) بود. این مطلب، تلاش بسیار پیروان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از جمله ابان بن عثمان بجلي، داود رقی و محمد بن علی بن حمزه علوی را در انتشار علوم ائمه اطهار (ع) و دعوت مسلمین به این راه نجات‌بخش، بیان می‌دارد؛ بگونه‌ای که نمی‌توان اثر این نقل و انتقالات را در تغییر روحیه مذهبی اهل بصره و گرایش ایشان به احادیث معصومان (ع) در طی سده دوم تا سوم هجری نادیده گرفت.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید (م ۶۵۶)، شرح نهج البلاغه، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه، {بی جا}، ۱۳۷۸ هـ ق؛
۲. ابن الأثیر جزری، علی بن محمد شیبانی (م ۳۶۰)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، محقق: طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، المکتبه العلمیه، بیروت، [بی تا]؛

۳. أبوغالب زراری (م ۳۶۸)، *تاریخ آل زراره*، مطبعه ربّانی، ۱۳۹۹ هـ ق؛
۴. همو، *رساله فی آل أعین*، محقق: محمد علی ابطحی، مطبعه ربّانی، ۱۳۹۹ هـ ق؛
۵. امین، سیدمحسن، *اعیان الشیعه*، تحقیق و تخریج و استدراک: حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ هـ ق؛
۶. ابن حبان، محمد (م ۳۵۴)، *مشاهیر علماء الأمصار و أعلام فقهاء الأقطار*، تحقیق و تعلیق: مرزوق علی ابراهیم، موسسه الکتب الثقافیه، بیروت، ۱۴۰۸ هـ ق، چاپ اول؛
۷. ابن خیاط، خلیفه (م ۲۴۰)، *کتاب الطبقات*، تحقیق و تقدیم از دکتر اکرم ضیاء العمری، دارطیبه، ریاض، ۱۴۰۲ هـ ق، چاپ دوم؛
۸. ابن داود، تقی‌الدین (م ۷۰۷)، *رجال ابن داود*، المطبعه الحیدریه، نجف، ۱۳۹۲ هـ ق؛
۹. ابن سعد، محمد (م ۲۳۰)، *الطبقات الکبری*، دار صادر، بیروت، {بی تا}؛
۱۰. ابن عدی، عبدالله الجرجانی (م ۳۶۵)، *الکامل فی ضعف الرجال*، تحقیق: سهیل زکار و یحیی مختار غزاوی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ سوم؛
۱۱. ابن منظور جمال‌الدین محمد بن مکرم (م ۷۱۱)، *لسان‌العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۹۵۵، ماده (رحل)؛
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۷؛
۱۳. بهبودی، محمدباقر، «علم رجال و مسأله توثیق»، کیهان فرهنگی، ش ۸، سال ۸؛
۱۴. جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۹؛
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (م ۳۹۳)، *الصحاح تاج اللغه و صحح العربیه*، محقق: احمد بن عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ هـ ق، چاپ چهارم؛
۱۶. حلی، حسن بن یوسف (م ۷۲۶)، *خلاصه الأقوال*، مطبعه حیدریه، نجف، ۱۳۸۱ هـ ق، ط ۲؛
۱۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی (م ۴۶۳)، *الرحله فی طلب الحدیث*، محقق: نورالدین عتر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۹۵ هـ ق، چاپ اول؛
۱۸. همو، *تاریخ البغداد أو مدینه السلام*، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ هـ ق، چاپ اول؛
۱۹. خوئی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه*، {بی نا}، {بی جا}، ۱۴۱۳ هـ ق، چاپ پنجم؛

- ۱۵۸ ۲۰. ذهبی، شمس‌الدین محمد (م ۷۴۸)، *سیر اعلام النبلاء*، محقق محب‌الدین ابی‌سعید عمر بن غرامسه العمروی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ هـ ق، چاپ اول؛
۲۱. رامهرمزی، حسن بن عبدالرحمان (م ۳۶۰)، *المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی*، تحقیق محمد عجاج خطیب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق، چاپ سوم؛
۲۲. رجیبی (دوانی)، محمدحسین، *کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۸، چاپ اول؛
۲۳. سلطانی، مصطفی، «تشیع بصره در قرون نخستین»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال سوم، پاییز ۱۳۸۱، ش مسلسل ۱۱؛
۲۴. سیوطی، عبدالرحمان (م ۹۱۱)، *طبقات الحفاظ*، مکتبه وهبه، قاهره، ط ۱، ۱۳۹۲ هـ ق؛
۲۵. شواط، حسین بن محمد، *مدرسه الحدیث فی القیروان*، الدار العالمیه للکتاب الاسلامی، ریاض، ۱۴۱۱ هـ ق، چاپ اول؛
۲۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (م ۵۴۰)، *الملل و النحل*، محقق: محمد سید کیلانی، دار المعرفه، بیروت، {بی تا}؛
۲۷. شهیدی، عبدالحسین، «بصره»، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۳، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۰، چاپ دوم؛
۲۸. صدوق، محمد بن علی (م ۳۸۱)، *الأمالی*، مؤسسه البعثه، قم، ۱۴۱۷ هـ ق، چاپ اول؛
۲۹. طبسی، محمدجعفر، *رجال الشیعه فی اسانید السنه*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، {بی جا}، ۱۴۲۰ هـ ق، چاپ اول؛
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (م ۴۶۰)، *اختیار معرفه الرجال*، تصحیح: میرداماد استرآبادی، محقق: سید مهدی رجایی، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۴۰۴ هـ ق؛
۳۱. همو، *الرجال*، محقق: جواد قیومی اصفهانی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ هـ ق؛
۳۲. همو، *الفهرست*، محقق: جواد قیومی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ هـ ق؛
۳۳. غفاری، علی‌اکبر، *تلخیص مقباس الهدایه*، نشر جامعه الامام الصادق (ع)، تهران، ۱۳۶۹، چاپ اول؛
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (م ۱۷۵)، *العین*، محقق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، دار الهجرة، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ دوم؛
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸، چاپ سوم؛

۳۶. لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمه: محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴، چاپ دوم؛
۳۷. مجلسی، محمدباقر (م ۱۱۱۱)، *بحارالانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ ق؛
۳۸. مزّی، جمال الدین یوسف (م ۷۴۲)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، محقق: بشار عوآد معروف، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ هـ ق، چاپ اول؛
۳۹. معارف، مجید، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۷۴، چاپ اول؛
۴۰. معرفت، محمدهادی، *تفسیر و مفسران*، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم، ۱۳۷۹؛
۴۱. نجاشی، احمد بن علی (م ۴۵۰)، *رجال نجاشی*، تحقیق از سید موسی شبیری زنجانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ هـ ق، چاپ پنجم؛
۴۲. هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم*، محقق: محمدباقر انصاری زنجانی خوئینی، یک ج، [بی‌نا]، [بی‌جا]، [بی‌تا]؛
۴۳. نمازی شاهرودی، علی، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، شفق، تهران، ۱۴۱۲ هـ ق؛
۴۴. یعقوبی، احمد بن واضح (م ۲۸۴)، *تاریخ الیعقوبی*، دارصادر، بیروت، {بی تا}.

Bibliography

1. Ibn Abi al-Hadid, *Sharh Nahj al-Balagha*, Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyya, 1378A.H;
2. Amin, Sayyid Muhsin, *A'yan al-Shi'a*, Dar al-Ta'aruf li'l Matbuat, Beirut, 1406A.H;
3. Ibn Sa'd, Muhammad, *al-Tabaqat al-Kubra*, Dar Sadir, Beirut, n.d.;
4. IBn Manzur, Jamal al-Din, *Lisan al-'Arab*, Dar Sadir, Beirut, 1955;
5. Baladhuri, Ahmad, *Futuh al-Buldan*, Nuqreh publications, Tehran, 1988;
6. Khatib al-Baghdadi, Ahmad ibn Ali, *al-Rihla fi Talab al-Hadith*, Dar al-Kbut al-Ilmiyya, Beirut, 1395A.H;
7. Dhahabi, Shams al-Din, *Siyar A'lam al-Nubala'*, Dar al-Fikr, Beirut, 1417A.H;
8. Suyuti, Abd al_Rahman, *Tabaqat al-Huffaz*, Maktaba Wahba, Cairo, 1392A.H;
9. Shahristani, Muhammad ibn Abd al-Karim, *al-Milal wa'l Nihal*, Dar al-Marifa, Beirut, n.d.;
10. Saduq, Muhammad ibn Ali, *al-'Amali*, Muassasa al-Bi'tha, Qum, 1417A.H;

11. Tusi, Muhammad ibn Hasan, *Ikhtiyar Ma'rifa al-Rijal*, Muassasa Al^{۱۶۰} al-Bayt, Qum, 1404A.H;
12. Farahidi, Khalil ibn Ahmad, *al-'Ayn*, Dar al-Hijra, 1409A.H;
13. Kulayni, Muhammad ibn Yaqub, *al-Kafi*, Dar al-kutub al-Islamiyya, Tehran, 1989;
14. Majlisi, M.B, *Bihar al-'Anwar*, Muassasa al-Wafa', Beirut, 1400A.H.